

چشم انداز مناسبات سیاسی - اقتصادی ایران و چین در پرتو سند ۲۵ ساله

مهدی ترابی^۱

علیرضا سلطانی^۲

سیدعلی طباطبایی پناه^۳

درجه مقاله: علمی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۲۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۶/۱۲

^۱. گروه روابط بین الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۲. گروه روابط بین الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (ali.soltani@iauctb.ac.ir)

^۳. گروه روابط بین الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

از آنجا که چین در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، جایگاه ویژه‌ای داشته و به لحاظ مجموعه‌ای از عوامل، ظرفیت تبدیل شدن به یک قدرت تأثیرگذار را دارد، مقاله حاضر در صدد پاسخ به این سؤال اصلی است که دلایل عدم تحقق یک مشارکت راهبردی میان ایران و چین پس از انعقاد سند ۲۵ ساله جامع همکاری چیست؟ فرضیه اصلی تحقیق این است که از آنجا که چین در حوزه سیاست خارجی کاملاً عمل‌گرایانه و منفعت‌محور عمل می‌کند، این تصور که انعقاد سند همکاری جامع موسوم به توافق ۲۵ ساله به معنای اتحاد و هم‌آهنگی کامل پکن با تهران در حوزه سیاست خارجی است، فاقد هر گونه چشم‌انداز روشن بر اساس گزاره‌های نوواقع‌گرایی است. یافته‌های مقاله حاکی از این است که اجرایی شدن سند مذکور در صورتی می‌تواند چشم‌انداز روشنی داشته باشد که روح حاکم بر سند منعقدۀ اقتصادی باشد. روش پژوهش کیفی و مبتنی بر تحلیل توصیفی است و از روش اسنادی و کتابخانه‌ای برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است.

• واژگان کلیدی

همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی، مناسبات سیاسی اقتصادی ایران - چین، نئورئالیسم، سند جامع

۲۵ ساله همکاری.

مقدمه

ایران و چین به‌عنوان دو قدرت مهم منطقه‌ای و دو بازیگر اثرگذار جهانی روابط خود را در تمامی سطوح موضوعات و به‌گونه‌ای دوجانبه و چندجانبه تعریف نموده‌اند. با توجه به اینکه ایران بازیگری است که عرصه بازی آن منطقه‌ای اما سطح بازی آن بین‌المللی است با تعارضات مختلفی از جانب سایر بازیگران اعم از منطقه‌ای و بین‌المللی مواجه بوده و از این رو نیازمند بهره‌گیری از تمام توان تحرک خود در عرصه قدرت دیپلماتیک است تا از ائتلاف سازی ضدایرانی که به ابتکار غرب و مشخصاً آمریکا دنبال شده جلوگیری کند. نکته‌ای که نباید در مورد سیاست خارجی چین از یاد برد، تفاوت آن با برخی کشورهای سوسیالیست و اقتدارگراست. اگرچه در حوزه نظری سیاست خارجی کشورهای اقتدارگرا به شدت تحت تأثیر متغیرهای درونی به ویژه تغییر رهبران مقامات آن‌هاست، اما تفاوت چین با سایر کشورهای اقتدارگرا مانند کوبا و کره شمالی آن است که چین با وجود نظام تک حزبی اقتدارگرا اهداف خود را در عرصه بین‌المللی تعریف نموده‌اند.

بنابراین شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی نیز در نوع تفکر و اتخاذ راهبرد چین موثر بوده است. به بیانی دیگر، تلاش برای تداوم رشد اقتصادی و ظهور به عنوان یک کنش‌گر قدرتمند و تأثیرگذار در عرصه بین‌المللی چین را ناگزیر ساخته است که با محیط پیرامون خود در ارتباط بیشتری باشد و به دنبال همین موضوع می‌توان انتظار داشت که در سال‌های آینده تأثیر متغیرهای سطح نظام بر سیاست خارجی این کشور افزون شود. در این راستا ایران و چین از برخی هم‌پوشانی‌ها در حوزه سیاست خارجی برخوردارند که آنها را در موضوعات و مناطق استراتژیک به یکدیگر نزدیک می‌سازد. ولی از آن‌جا که نوع نگاه رویکرد و رویه دو طرف نسبت به کشورهای غربی و آمریکا متفاوت می‌باشد که این امر، چالشی در برابر گسترش و تعمیق روابط دوجانبه است.

چین به خوبی از جایگاه ایران به‌عنوان دروازه ورود به خاورمیانه، قفقاز، آسیای مرکزی و حتی اروپا تا اندازه‌ای آگاه بوده و می‌داند که برای توسعه مناسبات سیاسی و اقتصادی در منطقه غرب آسیا به ایران نیاز خواهد داشت. به همین دلیل، چین تاکنون علی‌رغم فشارهای آمریکا، همواره خواستار تعامل مناسب با ایران بوده و سیاست کلان راهبردی خود در خصوص ایران را از زاویه سیاسی - اقتصادی تنظیم نموده است. امضاء سند جامع ۲۵ ساله همکاری ایران و چین در فروردین ۱۴۰۰ یک نقطه عطف در حوزه سیاست خارجی ج.ا.ایران محسوب می‌شود؛ زیرا باید مناسبات تهران با پکن در یک مسیر جدی و روبه‌رشدی قرار می‌گرفت. البته این سند، اولین تجربه مشارکت

یکن در روابط خارجی نیست، بلکه در سال‌های اخیر، از این نوع الگو در تعیین نوع رفتار خارجی خود در قبال دیگر کشورها نیز استفاده نموده است.

یکی از دلایل آسیب‌پذیری سیاسی و اقتصادی ایران در عرصه بین‌المللی عدم همکاری مؤثر و عدم بهره‌گیری بهینه از ظرفیت‌های سیاسی و اقتصادی کشورهایی نظیر روسیه و چین است. ضرورت این پژوهش از آن جهت است که ظرفیت‌های متعددی برای همکاری دوجانبه میان جمهوری اسلامی ایران و چین در قالب همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی وجود دارد که نیازمند اتخاذ یک دیپلماسی پویا و عملیاتی نمودن توافقات فی‌مابین از جمله سند جامع ۲۵ ساله همکاری دو کشور است. همچنین ایران از نظر چین کشوری است که می‌تواند نقش مهمی در ابتکار کمربند - جاده (BRI) ایفا نماید. بنابراین تنظیم روابط ایران با چین به‌گونه‌ای روزافزون در کلیت آن به‌ویژه در حوزه سیاسی - اقتصادی واجد اهمیت اساسی است.

چارچوب نظری

تغییر، اولین و شاخص‌ترین خصیصه محیط بین‌المللی قلمداد می‌شود که سیاست خارجی در آن هدایت می‌شود. یک دیپلماسی موفق ناگزیر به درک شرایط و نیازهای متغیر محیط بین‌المللی، همراه با امکانات داخلی و محدودیت‌های بیرونی است. از منظر واقع‌گراها، دولت‌ها بازیگران اصلی نظام بین‌الملل هستند و هیچ اقتدار مرکزی در نظام بین‌الملل وجود ندارد که بتواند از دولت‌ها محافظت کند. ماهیت چنین رقابتی بر اساس بازی با حاصل جمع صفر تبیین می‌گردد. بنابراین هر کشوری باید برای تأمین بقایش به امکانات خودش و خودیاری تکیه کند. امنیت حتی برای دولت‌های قدرتمند یک نگرانی همیشگی است. همکاری با دیگران برای تأمین بقا ضروری است ولی همواره شکننده و محدود است (قوام، ۱۳۸۴: ۸۰). البته همکاری از نظر واقع‌گراها غیرممکن نیست. دولت‌ها تنها در صورتی دست به همکاری خواهند زد که این سیاست در خدمت منافع ملی - به منزله قدرت - آنها باشد و این کار قدرت ملی آنها را افزایش دهد. اما همین همکاری‌ها نیز بسیار آسیب‌پذیر و شکننده است و چنان‌چه شرایط ایجاب نماید، این همکاری‌ها نیز ناپایدار خواهد شد.

پس از شکل‌گیری رویکرد نواقع‌گرایی و ارائه نظریات کنت والتز استدلال گردید که هر کشور منافع خود را آن‌گونه که خود تعریف می‌کند و به بهترین روشی که قابل تأمین باشد، تعقیب می‌کند و اقدامات قدرت دولت‌های مختلف، ناشی از ماهیت هرج‌ومرج‌گونه سیاست بین‌الملل است. در چنین نظامی، رفتار سیاست خارجی کشورهای بزرگ با کشورهای متوسط و کوچک متفاوت است. خلاصه مفروضه نواقع -

گرایی در نظام بین‌الملل این است که دولت‌ها - به‌عنوان بازیگران اصلی - سعی دارند با بهره‌گیری از ابزارهای داخلی و خارجی حداکثر منافع خود را تأمین کنند. عنصر متغیر ساختاری در این نظام همان توانمندی‌های نسبی است که با الهام از اصل خودیاری صورت می‌گیرد که به نوبه خود موجب شکل‌گیری الگوهای ائتلافی بین‌المللی و یا الگوهای داخلی متفاوت می‌شود که حاصل آن تشکیل موازنه قدرت است (سیف زاده، ۱۳۹۶: ۱۸۰-۱۷۷). مفروضات نوواقع‌گرایانه دو تفاوت عمده با مفروضات واقع‌گرایی دارد. نخست این که نوواقع‌گراها، موسسات و نهادهای سیاسی - اقتصادی را مستقل از دولت‌ها در نظر می‌گیرند و دوم اینکه در برداشت نوواقع‌گرایانه، سطحی از همکاری در بین دولت‌ها قابل تصدیق است و نمی‌توان گفت سود یک دولت در عرصه بین‌الملل، حتماً زیان دولت دیگر را در پی دارد (نصری، ۱۳۹۶: ۲۲۲). ولی با وجود این که دولت‌ها ممکن است از همکاری سود اقتصادی ببرند، اما عواید اقتصادی تحت الشعاع منافع سیاسی قرار می‌گیرد. تردید (عدم قطعیت) که منجر به نوعی بی‌اعتمادی می‌شود، جزء ماهیت نظام بین‌المللی است. دولت‌ها در پی حفظ استقلال و حاکمیت ملی خود خواهند بود و در نتیجه بقا به عمده‌ترین انگیزه رفتاری آن‌ها تبدیل خواهد شد. گرچه حکومت‌ها عقلانی رفتار می‌کنند، ولی همیشه احتمال اشتباه در محاسبات نیز وجود دارد.

بنابراین رهیافت نوواقع‌گرایی، ماهیت و امکان همکاری‌های بین‌المللی را بر اساس ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل مورد تحلیل قرار می‌دهد. در این راستا علی‌رغم تأکید کشورها بر برقراری روابط دوستانه، ساختار نظام بین‌الملل همواره اجازه دوستی و تداوم همکاری‌های راهبردی را به دولت‌ها نمی‌دهد، چون که در یک نظام آنارشیک دولت‌ها همواره به دنبال منافع و افزایش قدرت خود هستند. از این‌رو، همکاری‌ها تنها تا زمانی تداوم خواهد داشت که منافع ملی و مصالح قدرت ایجاب می‌کند. از آن‌جا که قدرت دولت‌ها در عرصه مناسبات بین‌المللی یکسان نیست، رقابت بر سر افزایش قدرت و دستاوردهای نسبی، امکان همکاری را کاهش داده و رقابت را خصلت پایدار سیاست بین‌الملل نموده است. در تفکر نوواقع‌گرایی دولت‌ها هیچ دوست ثابتی ندارند و دولت همزمن همواره تلاش دارد که از تحقق ائتلاف‌هایی که جایگاه همزمنیک آن را به چالش می‌طلبد، جلوگیری نماید (صادقی، ۱۳۹۶ الف: ۲۴۱).

در این راستا، منافع اساسی چین در تداوم رشد قوی اقتصادی نهفته است و بر اساس آموزه‌های نوواقع‌گرایی حفظ یک رابطه باثبات با آمریکا برای تداوم توسعه اقتصادی چین ضرورت دارد. بنابراین، پرهیز از رویارویی با قدرت‌های خارجی یکی از مهم‌ترین اهداف سیاسی چین می‌باشد؛ زیرا نسخه چینی استراتژی سیاست خارجی، شامل «افزایش صلح» در خارج و «جامعه هماهنگ» در داخل است. اهداف اصلی دیپلماسی چین شامل حفظ مسئولیت چین در عرصه قدرت جهانی است که از طریق مشارکت،

همکاری، تضمین‌ها و تعهدات جهانی، از حقوق و امتیازات چین در نظام بین‌الملل حمایت می‌کند (Nazmul Islam, 2022: 70). بنابراین هر کشور و ملتی در راستای منافع ملی خود قدم بر می‌دارد و آن چه ثابت و پایدار است، منافع ملی است و روابط با دیگر کشورها نیز تابعی از این اصل است. نهایتاً در سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی با تکیه بر عقلانیت و منافع ملی باید با دیگران همکاری نمود و به نظر می‌رسد روابط ایران و چین نیز می‌تواند به عنوان تابعی از این الگو مورد بررسی قرار گیرد.

۱- نگاهی به چارچوب سیاست خارجی چین

چین از قابلیت‌های بسیار مهمی برخوردار است، قابلیت‌هایی که تاکنون تنها بخشی از آن‌ها به فعل درآمده است. نقطه آغاز به فعل درآمدن این قابلیت‌ها به دهه ۱۹۸۰ میلادی باز می‌گردد و آن هنگامی است که دستگاه رهبری چین، پس از بیش از دو دهه سرگردانی در وضعیت انقلاب فرهنگی، بالاخره به فهم صحیحی از چین در وهله نخست و مهم تر از آن، جایگاه این کشور در جهان و روابط آن با کانون‌های ثروت و قدرت دست یافت. این دوران به دوره "اصلاحات و سیاست درهای باز" مشهور است. در سال‌های اخیر اتخاذ یک رشته سیاست‌های عملی از سوی حکومت چین و تصویب قوانین و مقررات جدید، موجب تشدید اصلاحات اقتصادی و گشایش بیشتر درهای چین به روی دنیای خارج شده است. حرکت سریع به سوی اقتصاد بازار موجب شده تا نظام اقتصادی مبتنی بر برنامه‌ریزی متمرکز که چندین دهه در چین حاکم بود جای خود را به یک نظام مبتنی بر رقابت آزاد بین تعداد زیادی از موسسات اقتصادی بر اساس ملاحظات تجاری بدهد (سازمند، ارغوانی پیرسلامی، ۱۳۹۶ الف: ۸۹).

مهم‌ترین اصول و راهبرد مطرح در سیاست خارجی چین عبارتند از: ۱- احترام متقابل به حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها ۲- عدم تجاوز به حقوق سایر کشورها ۳- عدم مداخله در امور سایر کشورها ۴- نیل به اتخاذ سیاست کسب منافع متقابل در رابط با سایر کشورها ۵- برقراری هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با سایر کشورها. بعد از پایان جنگ سرد، سیاست خارجی چین دچار یکسری تغییرات شد و چند مؤلفه جدید در سیاست خارجی این کشور لحاظ گردید از جمله: محوریت یافتن توسعه اقتصادی از طریق سیاست درهای باز، خویشتن‌داری و مصالحه‌گرایی در برابر همسایگان و متحدان فرمانطقه‌ای آن‌ها، معرفی چین به‌عنوان قدرتی بزرگ و در عین حال مسئولیت‌پذیر و چندجانبه‌گرایی بدون رویارویی با هژمونی آمریکا از جمله این موارد است (صادقی، ۱۳۹۶ ب: ۱۲۳).

هم‌زمان با فرایند جهانی‌شدن و توسعه سازمان‌های منطقه‌ای، بسط تجارت و بازرگانی میان کشورها و افزایش اهمیت روابط فردی و سازمانی در کنار روابط دولت‌ها، اهمیت مناطق بیش از پیش شده و

حوزه نوینی از دیپلماسی با عنوان فرامنطقه‌ای ظهور نموده است. در عرصه سیاست خارجی و از واپسین سال‌های حکومت جیانگ زمین و به‌ویژه در دوره هوجین تائو، پکن با پشتوانه موفقیت در دیپلماسی منطقه‌ای و نیز راهبر تعامل با قدرت‌های بزرگ و پیرو بسط نیازها و ضرورت چندجانبه‌گرایی، روابط دیپلماتیک خود را با ابتکارات چندوجهی و همکاری‌های اقتصادی به ورای همسایگان خویش در مناطق گوناگون تسری داد. هدف اصلی این نگرش که از آن به عنوان "تهاجم مسحور کننده" نام برده می‌شود، ارتقای قدرت نرم چین، برآوردن نیازها و در نهایت رقابت با آمریکا در مناطقی است که به‌طور سنتی در آن‌جا نفوذ دارد. اجرایی شدن این سیاست به‌طور عمده از طریق انعقاد موافقت‌نامه‌های دو یا چندجانبه صورت می‌گیرد (سازمند، ارغوانی پیرسلامی، ۱۳۹۶: ۱، ۲۹۰). در مقابل، ایالات متحده آمریکا در صد است تا با ایجاد چالش امنیتی برای چین از اقدامات این کشور در حوزه بین‌الملل برای پیشرفت و توسعه جلوگیری کند و در واقع چین را درگیر تنش و چالش محیط پیرامونی خود نظیر تایوان، کشورهای آسیای میانه و... نماید. از مهم‌ترین چالش‌های اخیر چین در عرصه داخلی نیز ظهور گروه‌های تروریستی است که با کشورهای غربی و عربی در ارتباط هستند (بخشی آنی و دیگران، ۱۴۰۰: ۴۵۴-۴۵۱).

۲- پیشینه روابط ایران و چین

پیش از انقلاب اسلامی با توجه به ساختار نظام بین‌الملل زمینه مساعدی برای برقراری و گسترش مناسبات تهران - پکن فراهم نبود. ساختار دو قطبی نظام بین‌الملل و سپس انعکاس آن در ساختارهای منطقه‌ای و در نتیجه در سیاست خارجی کشورها موجب شد که ایران به عنوان متحد غرب در برابر بلوک شرق و اعضای آن از جمله چین به صف آرایی استراتژیک تحت لوای آمریکا روی آورد. در مدت ۲۲ سال از سال ۱۹۴۹ تا ۱۹۷۱، ایران جمهوری خلق چین را به رسمیت نشناخت و با مقامات تایوان به اصطلاح "روابط سیاسی" را حفظ کرد و با آن سفیر مبادله کرد. در آوریل ۱۹۷۰ هم‌زمان با "دیپلماسی پینگ پنگ" بین چین و آمریکا، ایران نیز تصمیم به ارتقای روابط با چین گرفت. در سال ۱۹۷۲، پس از سفر نیکسون رئیس‌جمهور آمریکا به چین، سیاست خارجی پکن به تدریج به استراتژی "جبهه واحد" جهت اتحاد با آمریکا و مقابل با شوروی تبدیل شد، یعنی جبهه متحد بازدارنده و مقاومت در برابر شوروی از آمریکا تا کشورهای اروپای غربی در غرب تشکیل یافت و ایران در میانه این "جبهه واحد" واقع شد و حلقه مهمی به‌شمار می‌رفت، البته آن زمان ایران در دیپلماسی چین از موقعیت مهمی

برخوردار بود. به دنبال تعمیق مستمر روابط سیاسی، روابط اقتصادی و تجاری دو کشور چین و ایران نیز به خوبی توسعه یافت.

در سال ۱۹۷۹، چین سیاست اصلاحات و درهای باز را به مورد اجرا گذاشت و با آمریکا روابط سیاسی برقرار ساخت، در همان سال، انقلاب اسلامی در ایران به وقوع پیوست. این دو رویداد روابط ایران و چین را متحول نمود. چین از شرایط درهای بسته به سمت درهای باز گروید و با آمریکا رابطه سیاسی برقرار نمود. جامعه سیاسی ایران نیز از وابستگی به غرب به مذهب و استقلال گرایش پیدا کرد و روابط و هم پیمانی آمریکا و ایران به دشمنی تبدیل شد. سیاست‌های چین و ایران در این دور تقریباً همزمان بر خلاف جهت یکدیگر و معکوس به حرکت درآمد. چین که در مرحله آغازین اصلاحات و درهای باز قرار داشت، هرج و مرج را به نظم تبدیل کرد و در امور خارجی خود مشکلات دشمنی چین و شوروی را که سال‌ها گرفتار آن بود، حل کرد و مشغول سامان‌دهی رابطه خود با آمریکا شده بود و تمایلی به درگیر شدن در مسائل و گرفتاری‌های غرب آسیا نداشت. ایران اما به علت تاسیس نظام سیاسی جدید و آرام نبودن اوضاع داخلی، گرفتار مسائل داخلی بود. لذا روابط بین چین و ایران برای مدتی به کم تحرکی گرایید (سلیمانی، ۱۳۹۵: ۴).

بنابراین رابطه ایران با چین مراحل مختلفی را طی نموده است؛ در دوره قبل از انقلاب اسلامی؛ سال ۱۹۷۱ میلادی رابطه دو کشور شکل می‌گیرد و تا حدی رابطه گسترش پیدا می‌کند، اما نه به سطحی که بشود به آن اتکا کرد. دوره جنگ تحمیلی که تا حد زیادی همکاری این دو کشور بیشتر به حوزه فروش تسلیحات بود و تا حد زیادی از فرصت چین برای دور زدن تحریم‌هایی که غرب علیه کشورمان در دوره جنگ تحمیلی اعمال کرده بود، استفاده می‌کرد. اکنون بیش از ۴ دهه است که انقلاب اسلامی به وقوع پیوسته است و تلاش بر این است که به صورت مستقل رابطه‌مان را با کشور چین ارتقاء ببخشیم، در سال‌های اخیر بحث فشارهای آمریکا، بحث تحریم و نهایتاً برجام تا حد زیادی بر رابطه ایران و چین تأثیر گذاشته است.

شکل ۱- نمودار توسعه روابط ایران و چین در نیم قرن گذشته



منبع: قربانی، ۱۴۰۰: پژوهشکده تحقیقات

۳- مفاد سند جامع همکاری ۲۵ ساله ایران و چین

با توجه افق ترسیم شده برای همکاری دو کشور در سال‌های آینده، ایران و چین پس از سال‌ها رایزنی در فروردین ۱۴۰۰ سند جامع همکاری ۲۵ ساله ایران و چین را امضاء نمودند. هر چند اعلام گردیده است که مفاد این سند محرمانه است. متنی هجده صفحه‌ای به‌عنوان برنامه همکاری‌های جامع ۲۵ ساله ایران و چین توسط وزارت امور خارجه منتشر گردیده است. در این متن گسترش همکاری دوجانبه اقتصادی و تجاری، تعامل بخش خصوصی و مناطق آزاد، افزایش اثرگذاری در حوزه‌های فن-آوری و گردشگری، مشارکت راهبردی در حوزه‌های اقتصادی، همکاری دانشگاهی و فن‌آوری و علمی، بازنگری در همکاری‌های اقتصادی، حمایت از مواضع یکدیگر در مجامع منطقه‌ای و بین‌المللی، همکاری در مبارزه با تروریسم، گسترش همکاری نظامی و دفاعی و همکاری در زمینه‌های دیگر به‌عنوان اهداف اصلی فهرست گردیده، اما به نظر متن نهایی و جزئیات آن، سند جداگانه‌ای است. در بررسی متن غیر رسمی منتشر شده توسط وزارت امور خارجه موارد کلی مطرح گردیده است. سند در قالب یک «برنامه» برای بازه زمانی بلندمدت (۲۵ ساله) تهیه و تنظیم شده است. در این سند طرفین بر یک نقشه راه و افق روابط همه‌جانبه برای تحقق مشارکت جامع راهبردی و ارتقای عملی آن توافق کردند. این سند را باید برنامه‌ای سیاسی - راهبردی، اقتصادی و فرهنگی دانست که از نگاه دو طرف سوبه‌های همه‌جانبه روابط را در افقی بلندمدت دنبال می‌کند؛ در برنامه همکاری جامع ایران و چین به سه محور سیاسی نظامی و امنیتی، اقتصادی و فرهنگی پرداخته شده است. این سند شامل ۹ بند و ۳ ضمیمه است. در ضمیمه اول اهداف اساسی را ذکر کرده است. ضمیمه دوم عناوین اصلی برای برنامه همکاری‌های جامع ۲۵ ساله را برشمرده است. ضمیمه سوم نیز اقدامات اجرایی (کوتاه مدت - میان مدت و بلند مدت) را تبیین نموده است. این سند به سه زبان ایرانی، چینی و انگلیسی نگارش شده که در صورت اختلاف، نسخه انگلیسی مبنا قرار می‌گیرد.

در این راستا می‌توان گفت توافق موسوم به برنامه همکاری‌های جامع جمهوری خلق چین و جمهوری اسلامی ایران، اولین تجربه مشارکت پکن در روابط خارجی نیست، بلکه در سال‌های اخیر، از این نوع الگو در تعیین نوع رفتار خارجی خود در قبال دیگر کشورها استفاده نموده است. به‌طور کلی، چین کشوری پیشرو در دیپلماسی مشارکت بوده و نخستین بار در سال ۱۹۹۳ با برزیل مشارکت راهبردی امضا نموده است. از نظر توزیع منطقه‌ای، چین با ۱۰۷ کشور و سازمان منطقه‌ای از جمله ۳۸ مورد در آسیا، ۱۶ مورد در آفریقا، ۱۷ مورد در آمریکای لاتین، ۲۸ مورد در اروپا و آمریکا و ۸ مورد در اقیانوسیه همکاری ایجاد نموده است. این کشور از انواع مشارکت در روابط خود استفاده می‌کند. برای

مثال در سال ۱۹۹۶، چین مشارکت راهبردی یکپارچه را با روسیه ایجاد و دو کشور آن را در سال ۲۰۱۱ به مشارکت راهبردی جامع ارتقاء دادند. در مجموع با توجه به ابعاد همکاری، پکن در رابطه با سطح مشارکت با کشورهای هدف، سه سطح از روابط را در پیش گرفته است: مشارکت جامع راهبردی، مشارکت راهبردی و مشارکت نظام. توافق جامع همکاری ۲۵ ساله ایران و چین گامی برای ارتقاء روابط از سطح "همکاری" به "مشارکت" است (بایراملو، ۱۴۰۰: ۸-۷).

۴- ظرفیت‌های سند جامع همکاری ۲۵ ساله جهت توسعه همکاری‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با چین

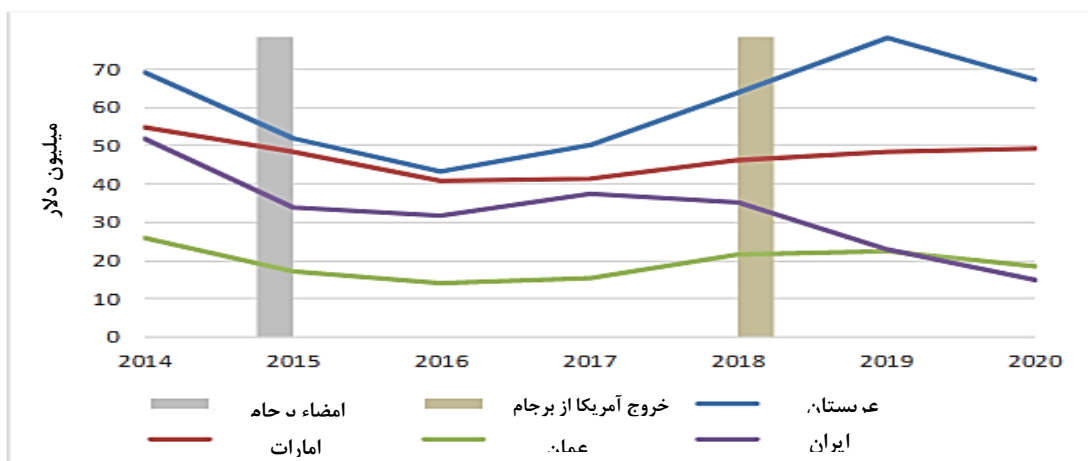
شرایط کنونی نظام بین‌الملل به‌گونه‌ای است که توسعه و بقای کشورهای واقع در هر منطقه به میزان، همکاری، اتحاد و ائتلاف و خودیاری آن‌ها بستگی دارد. از سوی دیگر، سطح و کیفیت همکاری‌ها نیز با ویژگی‌های جغرافیایی، ظرفیت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورها ارتباط مستقیم دارد. مناسبات دوجانبه و چندجانبه دو کشور ایران و چین نیز از این قاعده مستثنی نیست. این دو کشور از گذشته‌های دور تا به امروز، فراز و نشیب‌های بسیاری را در روابط فی‌مابین پشت سر گذاشتند و امروزه در برخی از حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و مسائل مهم منطقه‌ای و بین‌المللی دارای برخی دیدگاه و ظرفیت‌های مشترک و هم‌سو هستند (هندیانی، افشاری مقدم، ۱۳۹۹: ۸۹).

با امضاء سند موسوم به برنامه همکاری‌های جامع ۲۵ ساله، ظرفیت و زمینه‌های همکاری اقتصادی دو کشور در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی نیز وسعت خواهد یافت و اگر این سند به شکل مناسب و دیپلماتیک به اجرا درآید، مهم‌ترین تلافی این همکاری‌ها می‌تواند در مناطقی هم‌چون خاورمیانه، اوراسیا و ... تجلی یابد. در بند اول سند منتشره نیز چشم انداز همکاری‌ها بدین صورت اعلام گردیده است: سوق دادن مشارکت راهبردی جامع چین - ایران مبتنی بر رویکرد برد-برد در زمینه دوجانبه، منطقه‌ای و روابط بین‌الملل. همچنین در بند ۷ سند جامع همکاری اعلام گردیده است که با توجه به علایق مشترک در ابتکار کمربند-جاده، طرفین، همکاری دوجانبه و چندجانبه را از طریق برنامه‌های مشترک در کشورهای همسایه یا ثالث تشویق می‌کنند (وزارت امور خارجه، ۱۳۹۹: ۴-۲).

۴-۱ دیپلماسی چین در خاورمیانه و غرب آسیا

چین در طول سال‌های گذشته به آرامی زیرساخت‌های خود را در حوزه همکاری‌های نظامی و امنیتی در منطقه خاورمیانه گسترده‌تر نموده است. بدون شک تمام کشورهای خاورمیانه و غرب آسیا به دنبال این هستند تا از سرمایه‌گذاری‌های گسترده چین در منطقه استفاده کنند و چین هم در مقابل به دنبال اطمینان از حفظ آرامش این منطقه است. طبیعی است که در چنین شرایطی نوع تعامل چین با کشورهای منطقه نیز بر همین اساس صوت خواهد گرفت.

شکل ۲- حجم تجارت چین با کشورهای منتخب خاورمیانه ۲۰۲۰-۲۰۱۴



منبع: اداره کل گمرک چین

چین تا به حال تلاش کرده با عدم دخالت مستقیم در رویارویی‌های منطقه‌ای، توازن در روابط را مدیریت کند. این کنار ایستادن و ناظر بودن در بسیاری از رویارویی‌ها بیش از آنکه تصویر یک حامی را القا کند، کشوری را نشان می‌دهد که بیشتر اوقات به صورت حرفه‌ای و دیپلماتیک عمل می‌کند. در چنین وضعیتی، ایران نمی‌تواند در وضعیت تقابل با آمریکا روی حمایت چین خیلی حساب نماید؛ زیرا چین همانند آمریکا برای امنیت خلیج فارس برای واردات نفت، شبکه‌های ارتباطی حمل و نقل و صادرات کالا اهمیت کلیدی قائل است. در این میان، در سال‌های اخیر شاهد بودیم که عربستان سعودی سعی

نموده است با همکاری نفتی و بازار سرمایه با چین، از دامنه حمایت و هم‌سویی چین با ایران بکاهد (بزرگمهری، ۱۳۹۶: ۲۴).

همچنین برخی نظریه‌پردازان برخی دیدگاه‌های منفی در خصوص بدهکار نمودن کشورهای سرمایه گذاری شده مطرح نموده‌اند و معتقدند در واقع چین از طریق سرمایه‌گذاری در قالب پروژه جاده ابریشم جدید، به منابع معدنی عظیم آسیا و آفریقا دسترسی پیدا می‌کند و تعداد زیادی از کشورها را به «بدهکاران همیشگی» تبدیل خواهد کرد. نتیجه این فرآیند وضعیتی است که «دیپلماسی تله بدهی»^۱ نامیده می‌شود، ولی به نظر می‌رسد کشورهای ثروتمند خلیج فارس مانند امارات و عربستان هیچ مشکلی در بازپرداخت وام‌های بزرگ نخواهند داشت (Globerman, 2020).

بنابراین کشورهای منطقه چنانچه بخواهند در آینده سهم خود را در بازارهای جهانی و منطقه‌ای حفظ و یا ارتقا دهند، می‌بایست به هر طریق ممکن سرمایه‌ها و برنامه‌های خود را معطوف و متمرکز یافتن مسیرهای مطمئن و جدید در خطوط سه‌گانه هوایی، زمینی (ریلی و جاده‌ای) و دریایی میان چشمه‌های صنعت در شرق و غرب نمایند. در سال‌های اخیر کشورهای عربی علاقه زیادی به همکاری با پکن نشان داده‌اند و به جز پیوستن به پروژه یک کمربند و یک راه، همکاری استراتژیکی با چین ایجاد نموده‌اند (Gurol, 2020).

تغییرات ژئوپلیتیکی در خاورمیانه می‌تواند چین را به یک مؤلفه مهم در منطقه تبدیل کند. جاده ابریشم می‌تواند نقش خیلی اساسی در این زمینه داشته باشد بنابراین "دسترسی به آب‌های آزاد" از یک سو و "سلطه بر این آبراه‌ها" از سوی دیگر، دو سوی موازنه تجارت جهانی آینده بین چین و دنیای غرب خواهد شد. از سوی دیگر، غنای ذخایر نفتی خاورمیانه و نزدیکی آن به خاک چین در کنار اقتصادی بودن نفت از این منطقه سبب شده است بیش از پنجاه درصد از نیازهای نفتی چین از این منطقه تأمین شود (میرترابی، ۱۳۹۸: ۲۲۰). در این راستا سطح نازل سرمایه‌گذاری چین در ایران به نسبت سطح قابل توجه سرمایه‌گذاری‌های این کشور در سایر کشورهای غرب آسیا، یک موضوع امنیتی معطوف به ثبات کلی، رشد و توسعه اقتصادی از سوی ایران تلقی می‌شود.

در حوزه همکاری نظامی - امنیتی، بعد از ایالات متحده و روسیه، چین سومین صادرکننده بزرگ تسلیحات نظامی در جهان به شمار می‌رود. از آنجایی که چین تمرکز اصلی خود را بر رویکرد اقتصادی قرار داده است. به‌عنوان مثال کشورهای خاورمیانه در خریده‌های نظامی، این کشور را به‌عنوان "طرح جایگزین"^۲ تعریف می‌کنند به این معنا که پس از آمریکا و کشورهای اروپایی هم‌چون انگلیس و فرانسه

^۱. Debt-trap diplomacy

^۲. Plan B

در صدد خرید از چین بر می‌آیند. نکته اساسی دیگر در فروش تسلیحات چینی به کشورهای خاورمیانه آن است که بر خلاف آمریکا و روسیه که در فروش تسلیحات بر اهداف سیاسی متمرکز می‌شوند، چین بر اهداف تجاری و اقتصادی متمرکز است. بنابراین به‌طور کلی چین غرب آسیا را به‌عنوان یک بازار جدید برای سلاح‌های تولیدی خود که دارای فن‌آوری بالا اما ارزان قیمت هستند، می‌بیند (راه نجات، تقی پور جوی، ۱۴۰۰: ۱۵۵-۱۵۱). نهایتاً چین در قبال خاورمیانه در چارچوب روابط با ایران نیز سیاست شفافی ندارد؛ زیرا پکن هیچ استراتژی مشخصی را به‌طور علنی عنوان ننموده است. چرایی این مسئله را باید در تمایل چین به احتراز از جار و جنجال و صدمات ناشی از آن دانست (اسکوبل، نادر: ۱۶۰).

بنابراین، نمی‌توانیم در مورد چین که حالا خود را به‌عنوان یک ابر قدرت جهانی مطرح کرده است، انتظار گسترش دایره فعالیت‌هایش را نداشته باشیم آن‌ها نه تنها رفته رفته سیاست‌های خود در خاورمیانه را دنبال می‌کنند بلکه برای سایر نقاط جهان هم برنامه‌های مدونی دارند. آنها حالا در حال تکمیل پازل خاورمیانه خود هستند که رفته رفته بتواند هم با ایران همکاری داشته باشد و هم بتواند در کنار کشورهای عربی حضور به فعالیت خود ادامه دهد. بنابراین وساطت اخیر چین در بهبود روابط ایران و عربستان و سایر کشورهای منطقه را می‌توان هم در چارچوب سند جامع ۲۵ ساله همکاری ایران و چین بررسی نمود و هم در قالب گسترش فعالیت‌های بین‌المللی چین در مناطق مهم دنیا بصورت مسالمت‌آمیز ارزیابی نمود.

۴-۲ اهمیت تحولات آسیای مرکزی بر روابط دوجانبه ایران - چین

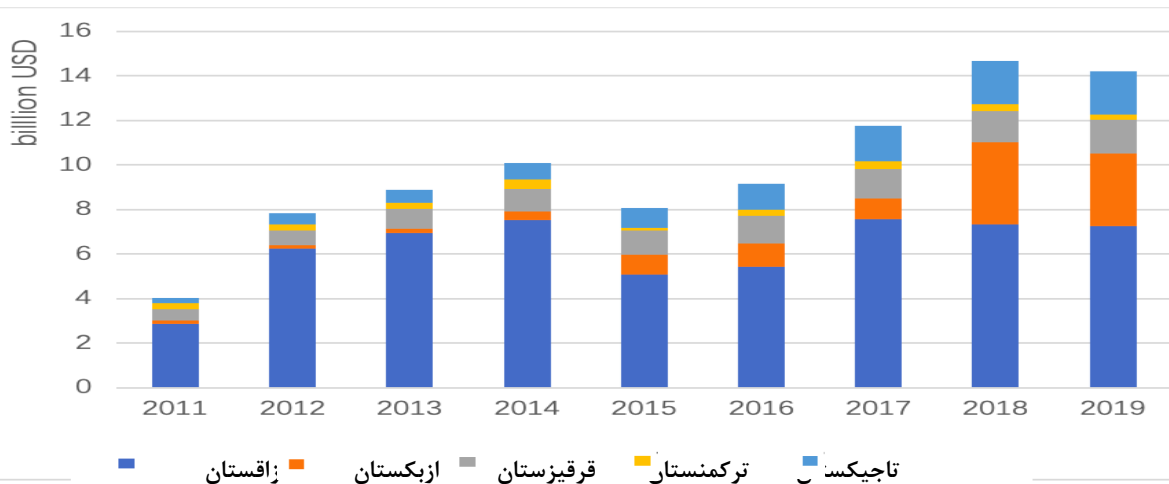
در مورد اهمیت آسیای مرکزی در راهبردهای اوراسیایی چین می‌توان گفت چین در این منطقه به دنبال متوازن‌سازی قدرت با روسیه است. در آسیای مرکزی پس از فروپاشی شوروی، چین به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین بازیگران در نتیجه افزایش کلی نقش جهانی خود در حال ظهور است. در اوایل، چین به توافق ضمنی با کشورهای جدید دست یافت که به تحکیم حاکمیت و ارضی آنها کمک نمود. مرحله بعدی، تعامل اقتصادی چین در منطقه‌ای غنی از انرژی و سایر منابع معدنی بود. در ادامه چین جاده‌ها، راه‌آهن‌ها و خطوط لوله‌ای ساخت که آسیای مرکزی را به چین متصل می‌کرد که به خوبی مورد استقبال کشورهای مذکور قرار گرفت، به‌ویژه که روسیه در مقایسه با چین در رکود اقتصادی نسبی قرار داشت. در سال ۱۹۹۶ همکاری بین چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان رسمیت یافت که در سال ۲۰۰۱ با پذیرش ازبکستان به سازمان همکاری شانگهای (SCO) تبدیل شد. در این راستا

دیپلماسی اوراسیایی چین، «دیپلماسی فعال چندجانبه‌گرا» با حضور مثبت در پیمان‌های منطقه است (Shambaugh, 2020: 283).

منطقه آسیای مرکزی به دلیل موقعیت استراتژیک و ثروت طبیعی، بخش مهمی از طرح کمربند و جاده را تشکیل می‌دهد. چین همچنین بزرگترین شریک تجاری سه کشور ازبکستان، ترکمنستان و قرقیزستان و بزرگترین سرمایه‌گذار در قرقیزستان و تاجیکستان شده است. هنگام بررسی مسائل کلیدی در روابط چین و آسیای مرکزی، قطعاً ابتکار کمربند - جاده BRI را نمی‌توان نادیده گرفت. در پاییز ۲۰۱۳، شی جین پینگ پیشنهاد نمود که چین و جمهوری‌های آسیای مرکزی باید برای توسعه نسخه مدرن جاده ابریشم باستانی و گسترش ارتباطات اقتصادی متقابل برای حمایت از همکاری‌های منطقه‌ای با یکدیگر همکاری کنند (Wilson, 2016: 113).

همچنین بنابر اعلام رئیس جمهور قزاقستان در نشست چین و کشورهای آسیای مرکزی، چین تاکنون ۴۰ میلیارد دلار در آسیای مرکزی سرمایه‌گذاری کرده است که حدود ۲۰ میلیارد آن مختص قزاقستان است. خط لوله گاز طبیعی آسیای مرکزی، خط لوله نفت خام چین-قزاقستان و خط لوله نفت خام چین - روسیه از قزاقستان می‌گذرد. ضمن این که ثبات و امنیت قزاقستان نه تنها از جهت اقتصادی بلکه به دلیل همسایگی با استان خودمختار سین کیانگ و احتمال تسری ناآرامی‌ها به این استان که سر ناسازگاری با چین را دارد، دارای اهمیت است. با این وجود واکنش پکن و مسکو در مقابل اعتراضات و ناامنی قزاقستان متفاوت بود و البته این روسیه بود که به دلیل حضور سنتی خود در این منطقه ابتکار عمل را بدست گرفت (مختاری، ۱۴۰۰). بنابراین در سال‌های اخیر، چین پروژه‌های خود را به سمت شرکای خارجی خود در آسیای مرکزی سوق داده است و در این فرآیند، مبالغ غیرقابل تصویری از پول را در منطقه سرمایه‌گذاری کرده و نفوذ سیاسی و اقتصادی خود را گسترش داده است (Woods, Baker, 2022).

شکل ۳- سرمایه گذاری مستقیم خارجی چین در کشورهای آسیای مرکزی از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۹



منبع: بولتن آماری ۲۰۱۹ سرمایه گذاری خارجی مستقیم خارجی چین

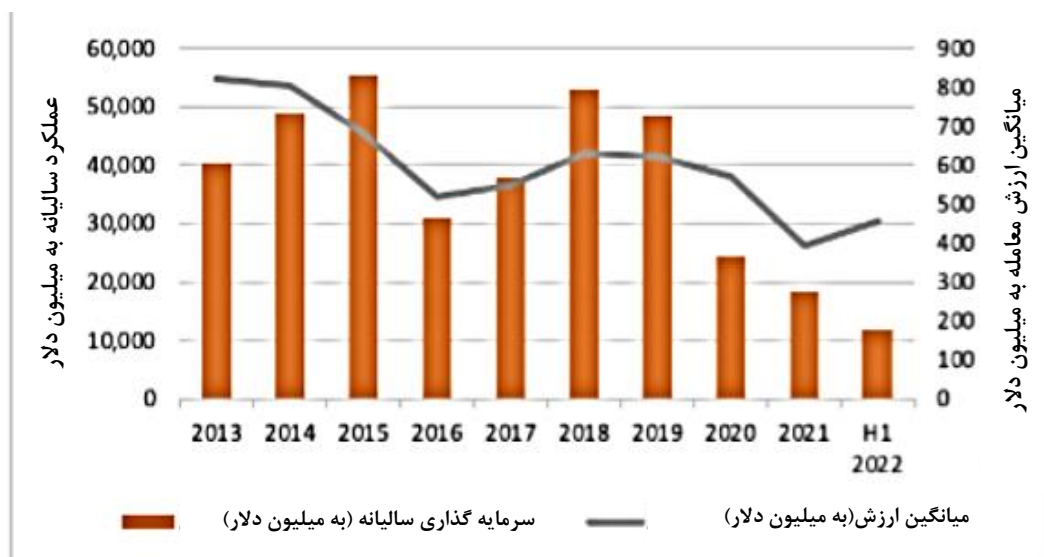
برای این که ببینیم نگاه اوراسیای چینی در حوزه اوراسیا چه مسائلی را متوجه ایران می کند، باید نخست جایگاه ایران در سیاست خارجی چین بررسی کنیم. ایران جایگاه منحصر به فردی در جغرافیای راهبردی منطقه اوراسیا دارد و می تواند مسیر اتصال بین منطقه ای از شرق و جنوب آسیا به اروپا باشد. با توجه به برنامه های سند ۲۵ ساله میان ایران و چین می توان از ظرفیت ایران برای ترانزیت استفاده کرد و در حوزه حمل و نقل، توسعه شبکه های ریلی و توسعه بنادر و حمل و نقل ترکیبی مدنظر است. همچنین آسیای میانه منطقه کلیدی است که نیروهای افراط گرای بین المللی در آن گردهم می آیند. حمایت متقابل ایران و چین از یکدیگر علیه افراط گرایی و همکاری بین المللی علیه تروریسم شرط مهم موفقیت همکاری دو کشور در این منطقه است (بایراملو، ۱۴۰۰: ۳۸).

مانع اصلی ایران برای تعامل اقتصادی با آسیای مرکزی و شرقی، تحریم های غرب است. ماهیت پیچیده تلاش برای تجارت با ایران می تواند راه های تجاری دیگر، مانند مسیر حمل و نقل ماورای خزر را که از قزاقستان از طریق قفقاز به ترکیه می رود، جایگزین جذاب تری برای کشورهای آسیای مرکزی کند. همچنین در حوزه اتحادیه اقتصادی اوراسیا فرصت های بی نظیری برای مشارکت ایران وجود دارد. اهمیت اقتصادی این اتحادیه به قدری است که با شکل گیری آن، کشورهای مختلف علاقه خود را برای عضویت

ابراز کردند. علاوه بر تجارت کالا، ایران به دلیل ظرفیت‌های بالای ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک، باید برای همکاری با کشورهای اوراسیا، در حوزه خدمات به‌خصوص در عرصه‌های گردشگری و ترانزیت فعال و آماده شود. ایران تعامل با بازارهای حوزه اوراسیا را فرصتی برای کاهش فشار اقتصادی غرب می‌داند، به‌ویژه اگر بتواند از تجارت با این منطقه را به‌عنوان مبنایی برای تعامل عمیق‌تر با ابرقدرت‌های اقتصادی هند و چین استفاده کند (Turner, 2022).

چین همچنین فعالیت‌ها و شرکت‌های خود را در بسیاری از کشورها به‌ویژه در پی ابتکار کمربند-راه (BRI) گسترش داده است. در این فضا چین بازارهای جدید را می‌گشاید تا از ظرفیت صنعتی افزوده بهره‌گیرد (لیپرت، پرتز، ۲۰۱۴: ۲۰). در این راستا پس از جنگ اوکراین، سایر گذرگاه‌های کمربند جاده جهت اتصال چین و اروپا به‌هم‌دیگر، به‌صورتی اجتناب‌ناپذیر، اهمیت بیشتری یافته است. ابتکار این گذرگاه همچنین می‌تواند کشورهای آسیای مرکزی را با هدف اتصال آنها به آب‌های بین‌المللی از طریق ایران در بر بگیرد.

شکل ۴- حجم سرمایه‌گذاری چین در BRI تا سال ۲۰۲۲



منبع: مرکز توسعه و فاینانس سبز ۲۰۲۲

موقعیت جغرافیایی ایران در مرکز راه‌های تجاری زمینی و دریایی، آن را به یکی از اجزای کلیدی برای اجرای این پروژه تبدیل می‌کند؛ زیرا می‌تواند به عنوان یک ارتباط قوی بین چین و آسیای مرکزی به ویژه با توجه به خروج ایالات متحده از افغانستان و ناتوانی روسیه برای رفع نیازهای توسعه‌ای این کشورها عمل نماید. قصد چین برای ایجاد ارتباطات بیشتر در منطقه آسیای مرکزی در اظهارات مقامات دولت چین تأیید شد و آن‌ها بر اهمیت ایران در ابتکار یک کمربند-راه تأکید کردند و بر تعهد چین برای محافظت از ابتکار کمربند-راه با توانمندسازی بیشتر کشورهایمانند ایران تأکید نموده‌اند (Al-Qahtani, 2021).

در بند هفتم سند جامع همکاری ۲۵ ساله دو کشور نیز به همکاری دوجانبه و چندجانبه از طریق اجرای برنامه‌های مشترک با کشورهای همسایه یا ثالث در قالب ابتکار کمربند-راه تأکید گردیده است. به‌طور معمول چین با سیاست منطقه‌ای ایران مشکلی ندارد. اگر مشکلی هم ملاحظه نماید، حداکثر با ایران همکاری نمی‌کند ولی در صدد ممانعت از سیاست منطقه‌ای ایران به‌صورت علنی معمولاً بر نمی‌آید. در مقابل، در داخل جمهوری اسلامی ایران تعارض‌ها و تفاوت‌ها در نگاه به کشور چین بسیار آشکار است. حضور چین در آسیای مرکزی هم فرصت‌ها و هم چالش‌هایی برای ما داشته است چنان‌چه در رابطه با حضور چین در حوزه تهدیدهای امنیتی نرم، هم در حوزه نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای که از دغدغه‌های جمهوری اسلامی هست و هم در حوزه حفظ ثبات آسیای مرکزی که اگر در آن جنگ و بی‌ثباتی شود، برای ایران هم نتیجه نامطلوب دارد. البته حضور چین در این منطقه چالش‌هایی را متوجه ایران نموده است. حضور چین به‌عنوان قدرت بزرگ اقتصادی که وام‌های زیادی به این کشورها داده و پروژه‌های مختلفی دارد و نیز محدودیت‌های ایران، از نظر تحریم‌ها و بحث‌های ایدئولوژیک سبب شده به ویژه در بخش تجارت و همکاری‌های زیرساختی، میان ایران و آسیای مرکزی ضعف‌های جدی وجود داشته باشد. بنابراین می‌توان با بهره‌گیری از چارچوب سند جامع همکاری با چین و تعامل دقیق و استفاده از ظرفیت‌های دیپلماسی منطقه‌ای ایران در حوزه آسیای مرکزی و تعریف چارچوب‌های جدید، چشم انداز روشنی را برای همکاری‌ها دو جانبه و چند جانبه در این منطقه ترسیم نمود.

۳-۳ تحولات اخیر همکاری‌های بین‌المللی چین - روسیه - ایران

در ۱۹۹۲ دو کشور چین و روسیه اعلام نمودند که به دنبال «همکاری سازنده» هستند و در ۱۹۹۶ به سمت «همکاری استراتژیک» رفتند و در ۲۰۰۱ هم پیمان «دوستی و همکاری» را امضا کردند. در سال‌های اخیر چین و روسیه همکاری نزدیکی در شورای امنیت سازمان ملل متحد و مواضع مشابهی در

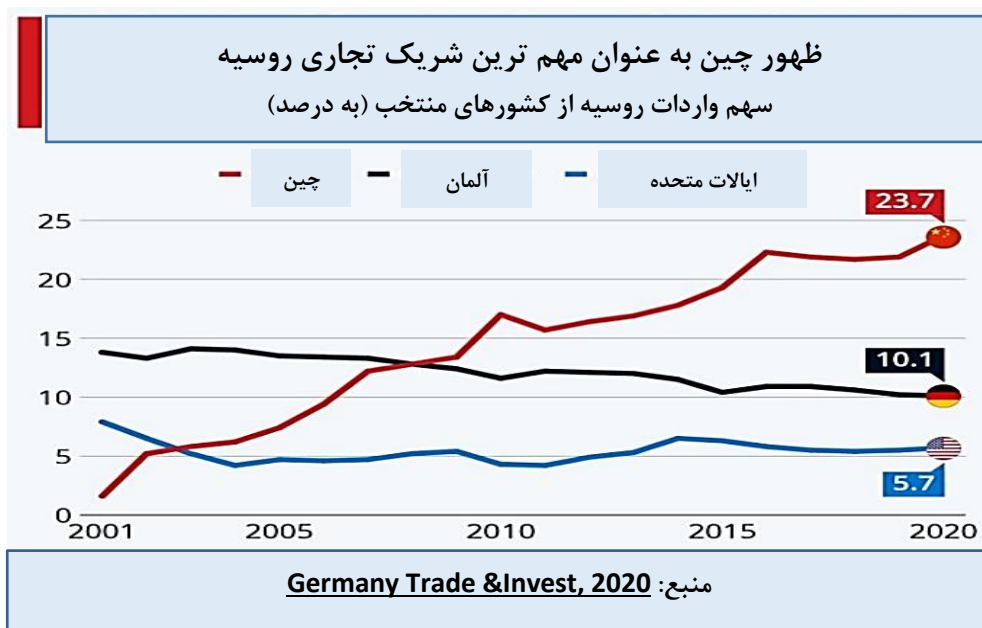
زمینه تحولات جهانی داشته‌اند. همچنین آن‌ها از چارچوب همکاری‌های دیپلماتیک فراتر رفته دست به تشکیل پیمان‌هایی مانند سازمان شانگهای دست زده‌اند (Southernland, 2020:2). در واقع چین و روسیه نظم تک‌قطبی موجود را تهدیدی علیه منافع و امنیت ملی خود می‌دانند و تلاش دارند نظم بین‌المللی را به سوی چندقطبی سوق دهند. از این‌رو، دو کشور در صدد برآمدن با تقویت سازوکارهای منطقه‌ای، به موازات ایجاد انسجام داخلی به تضعیف ایده نظم مورد نظر ایالات متحده پردازند. در واقع از ابتدای طرح نظم نوین مورد نظر آمریکا، این دو کشور هرگز کتمان نکرده‌اند که از هر وسیله‌ای برای تضعیف این ایده استفاده خواهند کرد (سازمند، ارغوانی پیرسلامی، ۱۳۹۶: ۱۶۴). تاکنون این راهبرد را عموماً از طریق سازوکارهای منطقه‌ای و جهانی مانند سازمان همکاری شانگهای، بریکس، اتحادیه اقتصادی اوراسیا و پروژه کمربند - راه اجرا نموده‌اند.

البته با وقوع جنگ اوکراین، تغییرات زیادی در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی رخ داده است. فارغ از آنچه در پس این تهاجم رخ داد، قدر مسلم این است که جهان پس از جنگ اوکراین، مانند پیش از آن نخواهد شد و اوراسیا، قلب تپنده دیپلماسی جهانی، محور این چرخش خواهد بود. در نگاه اول، روسیه به دنبال آن است تا اتحاد استراتژیک خود با چین را به رخ غربی‌ها بکشد و از سوی دیگر به باور چین تمرکز غرب بر روسیه به نفع چین است تا نگاه‌ها از چین برداشته شود. البته روابط تجاری، مالی و انرژی دوجانبه بین چین و روسیه گسترش یافته است و پکن و مسکو از یکدیگر حمایت دیپلماتیک مهمی در شورای امنیت سازمان ملل متحد نموده‌اند. در مسئله اوکراین اگر چه تا اکنون چین موضع رسمی در قبال تهاجم روسیه به اوکراین نداشته است اما ظاهراً با نگاه‌های محتاطانه و سرد از آن اعلام حمایت می‌کند. همچنین تحلیل‌گران چینی، مانند مقامات دولتی، هنگام بحث در مورد منافع روسیه و چین در آسیای مرکزی اصرار دارند که چین در آسیای مرکزی با روسیه رقابت نمی‌کند و چین فقط در تلاش است تا همکاری خود را با این منطقه بهبود بخشد (Haug, 2022).

به هر حال با توجه به شرایط کنونی نظام بین‌الملل پیش‌بینی می‌شود که میزان مشارکت چین در اقتصاد روسیه در آینده افزایش بیشتری خواهد؛ زیرا هم‌گرایی چین و روسیه روشن نموده است که چالش‌های جدید اوراسیا بسیار جدی است و چه تدابیری برای رویارویی با آن لازم است. البته با وجود این که در حال حاضر برخی از شرکت‌های چینی در حال خروج از روسیه هستند اما به نظر می‌رسد که پکن به دنبال راه‌هایی برای سود بردن از انزوای مسکو نیز هست و به نوعی معتقد است که بحران اوکراین بحرانی منطقه‌ای و نه بین‌المللی است. به این معنا که این بحران مربوط به کشورهای اروپایی

است نه بحرانی که لازمه نقش آفرینی کنش‌گری فرمانطقه‌ای هم‌چون چین داشته باشد. نمودار ذیل روند افزایشی حجم تجارت روسیه با کشور چین را تا سال ۲۰۲۰ نشان می‌دهد.

شکل ۵- روند ظهور چین به عنوان مهم‌ترین شریک تجاری روسیه تا سال ۲۰۲۰



در خصوص همکاری استراتژیک میان سه کشور چین - روسیه - ایران نیز باید گفت اگرچه اقدامات قابل توجهی در این خصوص انجام شده است و نمودها و مصادیق قابل توجهی از همکاری و شراکت بین این سه کشور در قالب موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای نظامی و استراتژیک و همکاری در نهادهای منطقه‌ای از جمله شانگهای دیده می‌شود، اما چالش‌های مهمی در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بر سر راه شراکت فراگیر استراتژیک میان این کشورها وجود دارد. هم‌اکنون با وقوع تحولات جدید بین‌المللی چین بر خلاف روسیه اولویت روابط خود را به آمریکا داده و با وجود اختلاف نظر با ایالات متحده آمریکا، تأمین ثبات بین‌المللی و پرهیز از تنش را که لازمه "ظهور مسالمت‌آمیز" خود می‌بیند در گرو همکاری بیشتر با آمریکا و اجتناب از تعقیب سیاست بلوک نظامی روسیه می‌داند (سازمند، ارغوانی پیرسلامی، ۱۳۹۶: ۱۶۴).

بنابراین، تحولات روابط میان ۳ کشور پیچیده و تحت تأثیر آموزه‌های نواقع‌گرایانه است به‌گونه‌ای که روسیه و چین درست قبل از حمله روسیه به اوکراین، از یک شراکت راهبردی بدون مرز سخن می‌گفتند. ایران نیز در جنگ اوکراین از سوی غرب به کمک نظامی به روسیه متهم گردیده و اخیراً نیز از رابطه راهبردی‌اش با چین در قالب سند جامع ۲۵ ساله همکاری رونمایی نموده است. با این حال، وضعیت روابط ایران، چین و روسیه در حالت سه جانبه، چندان جالب توجه نیست. ایران بنا به دلائل گوناگون هنوز نتوانسته است که اعتماد روسیه و چین در مسائل گوناگون را جلب کند و علی‌رغم عضویت رسمی ایران در سازمان شانگهای و انعقاد سند جامع همکاری با چین، این کشورها هیچ تعهد عمومی رسمی برای دفاع از یکدیگر ندارند. ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه نیز مطمئناً از این که رئیس‌جمهوری چین، شی جین‌پینگ، این کشور را در اوکراین به حال خود رها کرده، خشنود نیست. از سوی دیگر، تهران و مسکو برای نفوذ در خاورمیانه تا حدودی رقیب یکدیگر هستند. بنابراین در حال حاضر چشم انداز قوی برای شکل‌گیری اتحاد و همکاری با مشارکت ایران، روسیه و چین یا حتی با مشارکت حداقل دو کشور از این ۳ کشور علیه سیاست‌های منطقه‌ای ایالات متحده وجود ندارد.

در این راستا جمهوری اسلامی ایران هم‌چنین در نظر دارد به زودی توافق‌نامه جدید جامع ایران و روسیه را با سازوکار همکاری بلندمدت امضا نماید و در خصوص مشابهت آن با سند جامع همکاری با چین می‌توان گفت مدل همکاری با چین، یک نوع برنامه مشترک است که به صورت جزئی درباره موضوعات و برنامه‌های همکاری، موارد ذکر شده است. اما در رابطه با روسیه، چون عنوان سند توافق‌نامه است باید در پارلمان‌های دو کشور تصویب شود و طبیعتاً مفاد آن برخلاف سند جامع همکاری ۲۵ ساله نیز علنی خواهد بود. پیش‌بینی می‌شود با بهره‌گیری از تجربیات گذشته با چین، توافق‌نامه جدید ایران و روسیه، توافق‌نامه جامعی در حوزه‌های مختلف همکاری‌ها از جمله در حوزه‌های سیاسی، منطقه‌ای، بین‌المللی، اقتصادی، امنیتی، اطلاعاتی، سایبری، دفاعی و دیگر حوزه‌ها خواهد بود.

۱- چالش‌ها و موانع تحقق سند جامع ۲۵ ساله ایران و چین

به نظر می‌رسد علی‌رغم انعقاد سند جامع همکاری ۲۵ ساله ایران و چین، هنوز مراحل زیادی برای تعمیق روابط ۲ جانبه باقی مانده است. سفر اخیر رئیس‌جمهور چین به عربستان و مواضع آشکار و پنهان آن در هم‌سویی با اعراب در قبال ایران برخی واقعیت‌های نواقع‌گرایانه در حوزه سیاست بین‌الملل را نمایان نمود. برخی معتقدند که نباید مواضع رئیس‌جمهور چین علیه ایران در سفر عربی خود را جدی تلقی کرد و این مواضع با هدف جلب رضایت عربستان و دیگر کشورهای

منطقه برای انعقاد قراردادهای کلان با چین بوده است. سعودی‌ها سال‌ها است که روابط خود را با چین توسعه می‌دهند. چین نیز به خوبی متوجه وزن سنگین کشورهای عربی به خصوص عربستان در جذب سرمایه‌گذاری چینی در بازارهای بزرگ مصرفی و هم در خصوص انرژی و نفت دارد. در خصوص تحت تأثیر قرار گرفتن سند ۲۵ ساله در راستای بیانیه ضد ایرانی چین و عربستان، می‌توان گفت چینی‌ها وقتی خودشان را در قسمت‌های مختلف جهان نگاه می‌کنند، در این دوگانه‌ها قرار نمی‌دهند که الزاما فقط با یکی از کشورهای رقیب در مناطق مختلف کار کنند. چینی‌ها حتی با رقبای نزدیک خودشان مثل، ژاپن و هند و حتی آمریکا تجارت گسترده‌ای دارند، در عین حال با رقبای آنان هم روابط عمیق و نزدیکی دارند و این دلیلی بر قطع همکاری‌های گذشته نیست. در حال حاضر، چینی‌ها حدود ۳۳۰ میلیارد دلار با کشورهای عربی تجارت دارند که قرار است گسترش یابد. همچنین، چینی‌ها ۴۲ بندر در ۳۴ کشور دنیا را مدیریت می‌کنند که ۱۵ مورد آن در خاورمیانه و ۲ مورد آن در فلسطین اشغالی است. این مدیریت و دیپلماسی بندر نتیجه منابع عظیم درآمد، فروش کالا و خدمات و نفوذ اقتصادی-سیاسی چین است (سریع القلم، ۱۴۰۱).

از سوی دیگر تلاش‌های اخیر دیپلماتیک چین در میانجی‌گری میان ایران و عربستان همه نظرها را به سوی چین و نقش آن در خاورمیانه جلب نمود و حتی بسیاری از صاحب‌نظران سیاسی نقش دیپلماتیک چین را تحسین نمودند. بنابراین حضور قدرت‌های نوظهور اقتصادی مانند چین در منطقه، اولاً به لحاظ سیاسی نوعی توازن بین قدرت‌های خارجی در منطقه ایجاد می‌کند و قدرت مانور غرب در منطقه را کاهش می‌دهد و از این منظر به ثبات سیاسی در منطقه کمک می‌کند و ثانياً با توجه به اولویت منافع و رویکردهای اقتصادی این کشورها، می‌توان شاهد گسترش رویکردهای اقتصادی و تجاری در مناسبات منطقه‌ای و در روابط میان کشورها بود. آنچه در این میان اهمیت دارد این است که کشورهایی مانند ایران نباید در حاشیه این حضور قرار بگیرند و نقشی منفعل بازی کنند.

۲- چشم انداز روابط ۲ جانبه ایران - چین

همان‌طور که اشاره گردید در بند اول سند منتشره، چشم‌انداز همکاری‌ها این‌طور بیان گردیده است: سوق دادن مشارکت راهبردی جامع چین - ایران مبتنی بر رویکرد برد-برد در زمینه دوجانبه، منطقه‌ای و روابط بین‌الملل (وزارت امور خارجه، ۱۳۹۹: ۲). وجود اشتراکات مختلف از جمله مقابله با هژمونی آمریکا، قرار گرفتن در نیم کره شرقی، برخورداری از تمدن کهن، ادراک وجود تهدید مشترک در

¹. Seaport Diplomacy

زمینه تحریم‌های اقتصادی آمریکا و امکان برقراری روابط متقابل اقتصادی به طور طبیعی ایران و چین را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد. در واقع کشورهای ایران و چین با داشتن کم‌ترین چالش به‌طور طبیعی می‌توانند به تعمیق روابط خود در ابعاد مختلف بپردازند (بخشی‌آنی و دیگران، ۱۴۰۰: ۴۵۷).

ایران روابط نزدیک‌تر با چین را برای حمایت از توسعه اقتصادی خود و تضمین حمایت در جامعه بین‌المللی، به ویژه در مواجهه با فشارهای ایالات متحده، مهم می‌داند. در واقع در این سند همکاری ما شاهد پایان دوره تفاهم بودیم و دو کشور اراده نموده‌اند که وارد سخت‌ترین دوره روابط یعنی مشارکت راهبردی شوند. در این دوره باید به چند نکته توجه نمود از جمله این که این سند، یک نقشه راه است و البته به‌طور طبیعی به یک برنامه عملیاتی نیاز دارد که باید میان دولت‌ها و در سطح بوروکراسی راهبردی تبیین شود. در این راستا تعریف روابط مشترک راهبردی با چین به این معنا نیست که نمی‌توان با غرب روابط خود را برقرار کرد. واقعیت این است که اگرچه پکن و ایران در صدد ایجاد یک مشارکت راهبردی و اقتصادی بلندمدت هستند، اما چشم‌انداز روابط آنها، خیلی به این موضوع بستگی دارد که مذاکرات برجام به نقطه مثبتی ختم شود یا خیر. تحریم‌ها مانع اصلی اجرای توافق ۲۵ ساله ایران و چین و بهبود روابط اقتصادی دو کشور است؛ زیرا سرمایه‌گذاران چینی از نظر چشم‌انداز همکاری بعید است که به ایران علاقه‌مند شوند مگر اینکه تحریم‌ها برداشته شوند (Figueroa, 2022). یکی دیگر از موانع تجارت ایران و چین، علاوه بر تحریم‌های آمریکا، این واقعیت است که ایران به گروه ویژه اقدام مالی^۱ نپیوسته است. افزودن ایران به فهرست کشورهای پرخطر چین به این معنی است که بانک‌های چینی بدون رعایت مقررات گروه ویژه اقدام مالی با هم‌تایان ایرانی معامله نخواهند کرد و برای ایرانیان یا شرکت‌های ایرانی در چین خدمات ارائه نمی‌کنند (Holmquist, Englund, 2020: 20).

در چشم‌انداز آرمانی ترسیمی از منظر داخلی، ایران ترکیبی است از همه آنچه که چین نیاز دارد شامل: انرژی و منابع سرشارش، بازار بزرگ بالقوه‌اش، و مهم‌تر از همه، موقعیت استراتژیک منحصر به فردش در حاشیه خلیج فارس و قفقاز جنوبی و هم‌چنین مرزهای گسترده‌اش با افغانستان، آسیای میانه و شبه‌قاره هند. پکن هم‌چنین منافع راهبردی قابل توجهی را در تعمیق همکاری‌های خود با ایران از منظر اقتصادی و هم‌چنین سیاسی و نظامی به شرط حل برخی از مشکلات ایران در صحنه بین‌المللی دریافت خواهد نمود. بنابراین در گام نخست، لازم است چالش‌های سیاسی با دنیا که سد بزرگ توسعه کشور است رفع شود و آن‌گاه در فضایی آرام و باثبات اهداف توسعه‌ای با تکیه بر ظرفیت کشورهای

^۱. Financial Action Task Force (FATF)

نوظهور مانند چین، هند، ترکیه، کره جنوبی، برزیل، روسیه و ... دنبال شود تا عقب ماندگی‌های توسعه‌ای کشور تا حدودی جبران گردد.

نهایتاً با سفر رئیس‌جمهور به کشور چین در بهمن ۱۴۰۱ مرحله نوین دیگری در اجرایی شدن سند ۲۵ ساله آغاز گردید. رئیس‌جمهور ایران پیش از عزیمت به پکن، هدف اصلی این سفر را، پیگیری اجرای سند راهبردی بین دو کشور اعلام و در جریان این سفر، پکن و تهران ۲۰ سند همکاری در زمینه‌های مدیریت بحران، گردشگری، حمل و نقل، محیط زیست، تجارت بین‌الملل، علمی، کشاورزی، صادرات، بهداشت و درمان، رسانه، ورزش و میراث فرهنگی امضا نمودند. به هر حال بیانیه مشترکی در پایان سفر آقای رئیسی به پکن میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین امضا گردید که می‌تواند سندی محکم و پشتوانه‌ای قوی برای تقویت انگیزه واراده طرفین برای سرعت بخشیدن به توافق‌ها و قراردادهای همکاری مشترک از جمله سند همکاری ۲۵ ساله دو کشور باشد.

نتیجه‌گیری

چین کشوری در حال ارتقاء در نظام بین‌المللی است و اگر کشوری آماده همکاری و مناسبات با آن نباشد، متضرر خواهد شد، بنابراین لازم است به صورت جدی جایگاه این کشور در سیاست خارجی کشور ترسیم گردد. یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از این است که اجرایی شدن سند ۲۵ ساله همکاری دو کشور، در صورتی می‌تواند چشم انداز روشنی داشته باشد که روح حاکم بر سند منعقدۀ اقتصادی باشد؛ زیرا چین نمی‌خواهد روابطش با ایران، به روابطش با دیگر کشورهای منطقه و حتی آمریکا آسیب برساند. این تصور که سند همکاری جامع موسوم به توافق ۲۵ ساله به معنای اتحاد و هم‌آهنگی کامل پکن با تهران در حوزه سیاست خارجی است، فاقد هر گونه چشم انداز روشن بر اساس گزاره‌های نئورئالیسم است.

همزمان درهم‌تنیدگی اقتصاد چین و آمریکا و روابط موازی با عربستان سعودی، امارات و ترکیه باعث می‌شود که پکن با ملاحظات بسیار و به آرامی همکاری خود را با کشورهای نظیر ایران عملیاتی نماید. اما عدم احیای به موقع برجام و تداوم تحریم‌ها عملاً اجرای مفاد این سند را با مشکل روبرو نموده است. هرچند نباید از نظر دور داشت که سیاست خارجی ایران با یک عدم‌موازنه بزرگ مواجه است و اختلال در مدیریت ارتباطات همزمان با چین و غرب (اروپا و آمریکا) می‌تواند به نقطه ضعف اساسی این همکاری‌ها تبدیل شود.

امروزه، نبود یک چشم‌انداز مشخص در حوزه احیای برجام و لغو تحریم‌ها موجب شده دولت چین - که یک سیاست خارجی اقتصاد محور و تجارت محور دارد - انگیزه چندانی برای نزدیک‌تر شدن به ایران نداشته باشد. همین بی‌انگیزگی نیز دولت چین را مستعد نمود تا حتی برای تحکیم روابط خود با کشورهای همجوار ما از جمله کشورهای عربی، بعضاً برخی مواضع ضد ایرانی نیز اتخاذ نماید. چین در حال حاضر از ایران انتظار شرایط با ثبات در حوزه سیاست خارجی دارد و به نظر می‌رسد که چین با این شرایط کنونی (عدم به نتیجه رسیدن برجام و تداوم تحریم‌ها) فعلاً نمی‌تواند وارد روابط مشارکت راهبردی با ایران شود. چین، یک سیاست برنامه‌ریزی شده قوی بلندمدت راهبردی برای خودش در قبال کشورها و مناطق مختلف از جمله ایران دارد. اتفاق اخیر چین و عربستان نشان داد که چینی‌ها بر اساس آموزه‌های نواقح - گرای نهائیتاً منافع ملی خودشان را بر همه تعهدات بین‌المللی ترجیح می‌دهند.

بنابراین در پاسخ به فرضیه اصلی این مقاله می‌توان گفت که فرایند سناریو سازی برای آینده روابط ایران و چین چندوجهی و متعدد است. سناریوهایی که می‌تواند نوید بخش همکاری یا تعارض در سطوح مختلف تحلیلی و بازه‌های زمانی متفاوت باشد. گرچه همکاری در مقولات نرم افزاری قدرت به ویژه حوزه اقتصادی گسترش یافته و اسناد و بیانیه‌های راهبردی در جهت تسهیل عمق و دامنه روابط موثر بوده‌اند، اما تفاوت نظر در موضوعات مهم سخت افزاری و نیز تفاوت دیدگاه در مسائل کلان دوجانبه و بین‌المللی از جمله برجام، تحریم‌ها، نوع نگاه و جهت‌گیری به مناطق مختلف تا کنون اجازه تحقق چشم‌انداز ترسیمی و یک مشارکت راهبردی بصورت فراگیر را نداده است. بر مبنای آنچه آمد، می‌توان «تداوم» در وضعیت فعلی روابط ایران و چین را سناریوی محتمل تا آینده‌ای کوتاه‌مدت پنداشت. این رابطه به تدریج و عمدتاً متأثر از تغییر سیستمیک در نظم بین‌المللی دگرگون می‌شود. تصور ایجاد تغییرات سریع در چشم‌انداز این رابطه بر مبنای تئوری نئورئالیسم و تاریخ تحولات آن مطابقت ندارد. در این میان حتی موافقان این سند همکاری نیز معتقدند که همکاری با چین به تنهایی نمی‌تواند نیازهای ایران را مرتفع کند و جمهوری اسلامی باید ضمن موازنه مثبت در سیاست خارجی، مدیریت روابط با نظام بین‌الملل به ویژه غرب را در دستور کار خود داشته باشد. عادی‌سازی روابط تجاری و اقتصادی با جهان یک فایده راهبردی مهم نیز دارد و آن اینکه به قدرتهایی مانند روسیه و چین این پیام را می‌رساند که ایران همواره گزینه‌های دیگری نیز دارد و امنیت و اقتصاد آن محتاج حمایت مطلق آن‌ها، خرید مخفیانه نفت و اعمال حق وتوی آن‌ها در صحن شورای امنیت نیست.

منابع و مآخذ

فارسی:

- اسکوبل ، اندرو، نادر، علیرضا(۱۳۹۶)، «چین در خاورمیانه ازدهای محتاط»، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۹۹/۰۵/۱۵، قابل دسترسی در: <http://css.ir/ghnsbu>
- بایراملو، بخشعلی(۱۴۰۰)، نگاه چینی به برنامه همکاری‌های جامع ۲۵ ساله ایران و چین، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر
- بخشی آبی، رضا، عباسی ، مجید، رحیمی نژاد، علی(۱۴۰۰)، متغیرهای اقتصادی و سیاسی حاکم بر روابط راهبردی ایران و چین، تهران: مطالعات اقتصادی سیاسی بین‌المللی، دوره ۴ ، شماره ۲: ۴۶۲-۴۲۳
- راه نجات، میترا، تقی پور جاوی، میترا(۱۴۰۰)، «تأثیر رقابت چین و اتحادیه اروپا در غرب آسیا بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۱۰ ، شماره ۳۸: ۱۷۴-۱۴۲
- سازمند، بهاره، ارغوانی پیرسلامی، فریبرز (۱۳۹۶)، سیاست خارجی جهانی و منطقه‌ای چین در قرن بیست و یکم، دانشگاه تهران
- سلیمانی، فاطمه(۱۳۹۵)، بررسی جامع روابط دوجانبه ایران و چین، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی.
- سیف زاده، حسین (۱۳۹۶)، نظریه پردازی در روابط بین‌الملل (مبانی و قالبهای فکری)، تهران: سمت، چاپ دوازدهم
- سریع القلم، محمود(۱۴۰۱)، «ایران و ژئوپولیتیک جدید جهان»، ماهنامه اندیشه پویا، ۱۴۰۰/۱۲/۲۸، قابل دسترسی در : <https://sariolghalam.com>
- قربانی ، وحید (۱۴۰۰)، «ماهیت توافق جامع همکاری‌های ۲۵ ساله ایران و چین»، پژوهش‌شکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۴۰۰/۰۱/۱۵، قابل دسترسی در: <https://csr.ir>
- قوام ، سید عبدالعلی(۱۳۸۴)، روابط بین‌الملل نظریه‌ها و رویکردها، تهران: سمت
- لیپرت ، باربارا، پرتز، ولکر (۱۴۰۰)، رقابت استراتژیک میان ایالات متحده و چین چشم انداز اروپایی، ترجمه طیبه محمدی کیا، ابرار معاصر تهران
- مختاری، سمیه(۱۴۰۰)، «تأارامی‌های قزاقستان و نقش چین در امنیت آسیای مرکزی»، مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۴۰۰/۱۲/۱۰، قابل دسترسی در: <https://ipis.ir/portal/subjectview/670912>
- میرترابی، سعید، ترکی ، هادی (۱۳۹۸)، «ابتکار احیای جاده ابریشم چین در تکاپوی تامین امنیت انرژی و توسعه صادرات»، دو فصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، دوره دوم، شماره اول: ۲۳۲-۲۰۷
- نصری، قدیر (۱۳۸۶)، «روش شناخت در مکتب نئورئالیسم»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دهم، شماره ۲: ۲۳۸-۲۱۵

– هندیانی، عبدالله، افشاری مقدم، اسماعیل (۱۳۹۹)، «عمل‌گرایی در سیاست خارجی و گسترش روابط اقتصادی چین و ایران»، فصلنامه علمی پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، شماره اول: ۱۰۰-۷۹

انگلیسی:

- Figueroa, William(2020), “China and Iran Since the 25-Year Agreement: The Limits of Cooperation”, January 17, available at: <https://thediplomat.com/2022/01/china-and-iran-since-the-25-year-agreement-the-limits-of-cooperation/>
- Gloserman, Brad(2020), “Debt trap' diplomacy is a card China seldom plays in Belt and Road initiative”, September 2020, Available at: <https://www.japantimes.co.jp/opinion/2020/09/01/commentary/debt-trap-diplomacy-bri-china>
- Gurol, Julia, Scita, Jacopo(2020), “China’s Persian Gulf strategy: Keep Tehran and Riyadh content”, January 2020, Available at: <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/menasource/chinas-persian-gulf-strategy-keep-tehran-and-riyadh-content>
- Holmquist, Erika, Englund, Johan(2020), “China and Iran – an unequal friendship”, May 2020, available at: <https://www.foi.se/rest-api/report/FOI-R-4976--SE>
- Haung, Jiahui, 2022, “Russia becoming a diplomatic Gordian Knot for China”, available at: <https://eurasianet.org/russia-becoming-a-diplomatic-gordian-knot-for-china>
- Nazmul Islam, Md., 2022, **Power of Bonding and Non-Western Soft Power Strategy in Iran: Comparing China and India's Engagement**, London: Palgrave Macmillan
- Southerland, Matthew, (2020), “The Shanghai Cooperation Organization: A Testbed for Chinese Power Projection”, available at: https://www.uscc.gov/sites/default/files/2020-11/Shanghai_Cooperation_Organization-estbed_for_Chinese_Power_Projection.pdf
- Shambaugh, David(2020), **China and the World**, Publisher: Oxford University Press .
- Turner, Daneil(2022), “Iran Eyes Opportunities in Central Asia, Terrain Analysis”, April 2022, available at: <https://newlinesinstitute.org/iran/iran-eyes-opportunities-in-central-asia>
- Wilson, J. L. (2016), **The Eurasian Economic Union and China’s Silk Road: Implications for the Russian–Chinese relationship. European Politics and Society**, London: Routledge
- Woods, Elizabeth, Baker, Thomas(2022), “Public Opinion on China Waning in Central Asia”, May 2022, available at: <https://thediplomat.com/2022/05/public-opinion-on-china-waning-in-central-asia>